

آذربایجان

بشپنجی دؤور (دوره پنجم) ۳۶- جی نمره (شماره ۳۶) ناشر افکار فرقه دمکرات آذربایجان ۳۰ بهمن/۱۳۸۶

اعلامیه فرقه دموکرات آذربایجان بمناسبت جنبش ۲۹ بهمن سال ۱۳۵۶

خوجالی فاجعه سی

خوجالینین یارانما تاریخی:

خوجالی ۱۹۹۱-جی ایل نوایبر آبی نین ۲۶-دا
عسگران رایونو بازاسیندا یارادیلیمیشدیر. رایونون اراضیسی
۱۹۹۱-۱۹۹۲-جی ایللرده انرمنی سیلاحلی قوه لری
طرفیندن اشغال اندیلیمیشدیر. ساحه سی ۰/۹۷ مین کیلو متر
مربع، اهالیسی ۲۴۱۷۷ نفر (۱۹۹۱-جی ایل).
آذربایجانلیلار ۱۲۱۹۴ نفر (۲۰۰۴-جو ایل)، غنیریلری
۱۲۲۳ نفر. رایوندا ۱ شهر، ۲ قصبه، ۵۰ کند اولموشدور.
مرکزی خوجالی شهردیر. آغدام شهری نین ۱۸، خانکندی
شهری نین ۱۴ کیلو مترلیگینده، قاراباغ سیلسیله سینده
ینرلشیر .

در نیمه دوم سالهای پنجاه که، نفرت از دربار
پهلوی، بطور روز افزونی شدت گرفته بود، در
سالهای ۵۵ و ۵۶، به اوج خود رسیده و جو آکنده از
بی اعتمادی به حاکمیت، سراسر کشور را فراگرفته
بود. در چنین شرایطی، تنها جرعه ای لازم بود که،
آتش خشم و نفرت مردم را شعله ور سازد. مقاله
معروف مندرج در روزنامه اطلاعات، نقش این جرعه
را بازی کرد.

ادامه در صفحه ۲

آردی ۳- جی صحیفه ده

سرنوشت احزاب سیاسی و نقش شخصیت در ایران

ایران کشور انقلابهاست. ایران یگانه کشوری است که از نیمه دوم قرن ۱۹، تند بادهای انقلابی را از سر می
گذراند، بدون اینکه در معرض تغییرات ماهوی قرار گیرد.
مردم فقیر و مظلوم ایران برای پیدا کردن کار به قفقاز سرازیر میشدند و با افکار سوسیال - دموکراسی آشنایی پیدا
میکردند. نتیجه این آشنایی بود که سازمانهای سیاسی در ایران تشکیل میشدند و مبارزه آزادی طلبی را سازماندهی
میکردند. حزب دموکرات، حزب اجتماعیون عامیون و دیگر سازمانهای خرد و کلان مدل سازمانهای سیاسی اروپایی بودند
که در ایران تشکیل میشدند. حزب کمونیست یکی از این احزاب بود که در سال ۱۹۲۰ میلادی تشکیل شد به نهضت جنگل
پیوست. بعد از شکست نهضت جنگل، رهبران سرشناس این حزب به شوروی رفتند و حزب کمونیست مرکز فعالیت مخفی
خود را به تهران انتقال داد. در سال ۱۹۲۷، سید جعفر پیشه وری به ایران رفت و رهبری حزب کمونیست را به عهده
گرفت. مقالات تحلیلی او در روزنامه «حقیقت»، ناشر افکار اتحادیه کارگران، چاپ میشد.

ادامه در صفحه ۴

کوزووا مستقل شد. بعد...

متلاشی شدن کشورهای کثیرالمثله در اروپا از اواخر قرن ۲۰ آغاز میگردد. در اراضی این کشورها دولت های
مستقل و ملی تشکیل میشوند. شوروی اولین کشور کثیرالمثله
بود که بر مبنای علامت ملی تجزیه شد. در نقشه جغرافیای
سیاسی جهان ۱۵ دولت ملی جا گرفت. بعد از تجزیه شوروی،
نهضت ملی گرانی در شبه جزیره بالکان شدت یافت. جمهوریهای
خودمختار یوگسلاوی علم استقلال را بدست گرفتند و با حکومت
مرکزی در بلغراد درگیر شدند. جنگ و جدل با مداخله نظامی ناتو
پایان یافت. کوزووا، آخرین تکه پاره یوگسلاوی است که با
حمایت دولت های بزرگ ناتو در ۱۷ فوریه اعلام استقلال نمود و
مورد اعتراض شدید بلغراد گردید. علاوه از بلغراد رومانی،
بلغارستان، یونان، اسلاواکی، اسپانیا از شناسایی کوزووا سرباز
زدند.

ادامه در صفحه ۵

----- در این شماره -----

- * سخنرانی مهندس صرافی ۶/ص
- * آیا شکاف عمیقتر می شود؟ ۸/ص
- * مهاجرتده فرقه تشکیلاتلارینین ۹/ص
- * اگر ایران به سلاح اتمی دست یابد .. ۱۱/ص
- * برگزاری تجمع به مناسبت ۱۲/ص

ادامه اعلامیه ... به مناسبت ۲۹ بهمن

تجمعی، در هر حرکتی و حتی در پی نمازهای جمعی، بر حقوق ملی خویش، تاکید می کردند. انجام سخنرانیها، تنظیم شعارها و غیره به زبان ترکی آذربایجانی در روند انقلاب، تبلور این خواست برحق مردم آذربایجان بود. راهپیمائیهای بزرگ روزهای تاسوعا و عاشورا در آذربایجان، با این شعر ذوالفقار کمالی برگزار شد:

گر حکم ایلیه بو گون مراجع

بو شاه جنایت کاره راجع

جمعا اله بیز اسلحه آلتلق

بیر حمله ده باشندان باشا تهرانی بیز آلتلق!

(اگر مراجع مذهبی بر علیه شاه جنایتکار امر صادر کنند، ما همه اسلحه بدست گرفته و در یک حمله تهران را تصرف می کنیم).

خواست ملی مردم آذربایجان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز انعکاس یافته است. ولی، تا کنون، بعد از گذشت سی سال از آن تاریخ، نظام جمهوری اسلامی هیچ گامی در جهت حل مسئله ملی خلقها و ملت‌های غیر حاکم ایران برداشته است.

سران کشور، چه در رژیم گذشته و چه در رژیم کنونی، هر حرکتی را که با حال و هوای خواستهای ملی همراه بوده است، به خارج از مرزهای کشور نسبت داده و آن را با خشونت تمام سرکوب کرده اند. جنبش ۲۹ بهمن سال ۵۶ نیز از این قاعده مستثنا نبود. بعدها، اعتراضات طرفداران آیت الله شریعتمداری هم با همین بهانه در هم کوبیده شد. مقامات رژیم جمهوری اسلامی بر اعتراضات گسترده مردم آذربایجان نسبت به چاپ کاریکاتور نیما نیستانی نیز چنین مهری زده و آنرا خفه کردند.

ما ضمن گرامیداشت یاد شهدای جنبش ۲۹ بهمن، از همه نیروهائی، که در راه آزادی، حقوق بشر و عدالتخواهی مبارزه می کنند، می خواهیم، دفاع از حقوق ملی همه ملت‌ها و خلقهای ایران، از جمله ملت آذربایجان را بعنوان اصل اساسی حقوق و آزادیهای انسانی، مورد توجه جدی قرار دهند و از جمهوری اسلامی ایران نیز می خواهیم، با پرهیز از قلب و انکار واقعیتها، و اعتراف به حقوق ملی خلقها و ملت‌های غیر حاکم کشور، بویژه، ملت آذربایجان، و برسمیت شناختن آن می تواند گام‌های جدی در راه حل معضلات و مشکلات مردم و در راه تحکیم وحدت و یک پارچگی کشور بر دارد. این امر، مسلماً از حدت و شدت مشکلات کشور و مردم ما خواهد کاست و دشمنان کشور بزرگ ایران را خلع سلاح خواهد نمود.

مردم قم، در نوزدهم دی ماه سال ۵۶، در اعتراض به همین مقاله، به خیابانها آمدند. نیروهای انتظامی، برای بستن دهان مردم، طبق معمول همیشه، به نیروی قهر و سرکوب متوسل شدند. تعدادی را کشته و عده زیادی را مجروح ساختند. جو وحشت پلیسی را بر کشور حاکم گردانیدند. به این ترتیب، به زعم خویش، کار را تمام کردند. ولی، غافل از اینکه، تبریز قهرمان بیدار است و از این زخمها، هراسی به دل خود راه نمی دهد. بویژه، تجارب انقلاب مشروطه، نهضت خیابانی، قیام لاهوتی و حکومت ملی را همراه خود دارد. بار دیگر، مردم تبریز، در اعتراض به کشتار مردم قم و بمناسبت گرامی داشت چهلم شهدای این شهر به پا خاست.

مردم تبریز که، از برگزاری مراسم مسالمت آمیز در مساجد محروم شدند، به خیابانها آمدند. شهر، در اندک مدتی حالت عادی خود را از دست داد. خیابانها بسته شدند، بانکها مورد هجوم مردم خشمگین قرار گرفتند. کلانتریها کنترل شهر را از دست دادند و از ارتش تقاضای استمداد کردند. نیروهای انتظامی در برخورد به حرکت اعتراضی مردم تبریز، دومین اشتباه خود را مرتکب شده و بار دیگر، به خشونت متوسل شدند. تنها، ساعت ۲ بعد از ظهر، پلیس و ارتش با کشتن ۱۴ نفر و زخمی کردن تعداد زیادی از معترضان، توانستند بر شهر مسلط شده و عبور و مرور را به کنترل خود در آورند.

در پی بخون کشیده شدن تبریز، دستگاههای تبلیغاتی رژیم بکار افتاد. اعتراض خود انگیزه مردم را به آن سوی رود ارس نسبت داد. در جواب افتراها و دروغهای رژیم، ذوالفقار کمالی، شاعر خلقی آذربایجان، شعر معروف خود؛ «**گنجعلی نن اوروجعلی، هارادان اولدو خارجه لی؟**»، «گنجعلی و اوروجعلی، از کی تا حالا خارجی شدند؟» را سرود.

بدین ترتیب، شهر تبریز، بار دیگر، با دادن قربانی های زیاد، پیشگام انقلاب ایران گردید. عزم و اراده پولادین مردم تبریز، لرزه بر ارکان رژیم سلطنتی ۲۵۰۰ ساله انداخت. بدنبال تبریز، مردم دیگر شهرهای ایران، طبق سنن مذهبی، چهل روز بعد، برای گرامیداشت شهدای تبریز، به میدان مبارزه آمدند. اربعین به اربعین پیوست و دولت شاهنشاهی در هر اربعینی با ریختن خود فرزندان این مرز و بوم، فرجام خویش را تسریع کرد.

رنگ و بوی ملی، ویژگی مهم جنبش ۲۹ بهمن سال ۵۶ تبریز بود. این حرکت، همچون همه جنبشهای خلقی، علاوه بر خواستهای عمومی مردم ایران، خواستهای ملی را نیز همراه خود داشت. مردم آذربایجان بدنبال تبریز، در هر

اسامی چهارده شهید جنبش ۲۹ بهمن تبریز

- | | |
|-----------------------|----------------------|
| ۱- محمد غلامی | ۸- سید حسن گلایی |
| ۲- غلامعلی نجفیان پور | ۹- بال آقا کشاورزی |
| ۳- ضریعلی فتحی | ۱۰- بهمن ارّه چی |
| ۴- حبیب نقی نژاد | ۱۱- قربانعلی شاکری |
| ۵- محمد تجلا | ۱۲- محمد باقر آذرفام |
| ۶- پرویز احسن زاده | ۱۳- عسکر شیخ احمدلی |
| ۷- سعید الوندی | ۱۴- محمد جبرائیل |

نام و یادشان جاوید باد!

فرقه دمکرات آذربایجان

۲۸ بهمن سال ۱۳۸۶

خوجالى فاجعه سي - نين داوامي

جغرافي مؤوقعي

ساكينيندن ۶۱۳-نفرى ائرميني ياراقليلاري نين گوشه سينه توش گليب قتل عام ائيدلي. همين گون ائرمينلر ۳۶۶- جي موتواتيجي آلايين كومه بي ايله فاشيستلرين خاتيندا تورتديكلري جنايتدن داها دهشتلي جنايته امضا آنديلار. بو سويقيريم نتيجه سينده ۶۳- نفر اوشاق، ۱۰۶- نفر قادين، ۷۰- نفر قوجا و قاري اولماقلا - ۶۱۳ نفر خوجالي ساكيني قتله يئتيريلدي، ۸ عائيله تاماميله محو ائيدلي، ۲۵ اوشاق هر ايكي واليدئيني، ۱۳۰ نفر اوشاق واليدئينلريندن بيريني ايتيردي. ائرميني حربي دسته لري نين گوشه سينه توش گليب يارالانان ۴۸۶ نفر دن ۷۶- سي اوشاق ايدي. بو قاتليفاجعه ده ۱۲۷۵ نفر اسير، ۱۵۰ نفر ايسه خوجاليلي ايتكين دوشدو. دؤولتئين و اهالي نين املاكينا ۱. ۴. ۱۹۹۲- جي ايل تاريخينده اولان قيميترلرله خوجالى شهرينه ۵ ميليارد روبل ده بيرينه زيان وورولموشدور :

بو رقملىر ائرمينيستان دسته يي و سوونت رهبرليگي نين سهلنكارليغي ايله ۱۹۸۸- جي ايلده باشلاميش و آذربايجان رسپوبليكاسينين تركيب حيصه سي اولان داغليق قاراباغ مختار ويلايتي نين ائرمينيستانا بيرلشديريلمه سي ادعاسي نين گنرچكلشديريلمه سي اساسيندا يارانميش ائرمينيستان-آذربايجان، داغليق قاراباغ مناقشه سي نين ان دهشتلي، قانلي فاجعه سيندن خبر وئرير ۱۹۹۲- جي ايل



فئورالين ۲۵- دن ۲۶- نا كئچن گنجه ائرمينيستان سيلاحي قوه لري روسيائين ۳۶۶- جي موتواتيجي آلايي نين اشتيراكلي ايله خوجالي شهريني اشغال اندرکن، انتتيك آذربايجان توركلرينه قارشى باش وئرميش بو قانلي فاجعه تاريخه سويقيريم فاكتي كيمي دوشمه ليدير. تأسفله قئيد ائتمه لي بيك كي، توره ديلن بو قانلي جنايتدن ۱۶ ايل كئچمه سينه باخمايلاق هله ده دونيا اجتماعيتي بو فاجعه يه گؤز يوماراق، سوسور. طبيعيدير كي، نه قدر آذربايجان خالقياشايبير بو قانلي فاجعه اونودولماياجاقدير.

رايونون اراضيسي اساسا داغليقدير. ان هوندور يوكسكليگي قيزقالا و قيرخ قيزدير (۲۸۴۳ متر، ۲۸۲۷ متر). داغليق اراضيلر استئنا اولماقلا، ايقليمي ملايم-ايسيتدير. يوكسك داغليق اراضيلري سوبالپ و آلپ چمنلردير. اساس چايلاري بادارا و قارقاردير. داغ- منشه و داغ چمن تورپاقلاري مؤوجودور .

ائرمينلر طرفيندن داغيديلميش ابيده لر حاقيندا : ائرمينيستانين اشغالي نتيجه سينده خوجالي رايونونون تاريخي، مدني، ديني ابيده لري، شهر و كندلري، اقتصادي بازارلري و س. داغيديلميشدير. خوجالي شهري نين ان قديم تاريخي ابيده لري، قبيرسنانليقلار، كركيجاهان قصبه سي، كوسالار، جمعللي و منشه لي كندلرينده كي قبيرسنانليقلار، ديني ابيده لر، مثلا، منشه ليده كي " سيد قيري " و س. ، ۱ شهر، ۱ قصبه ، ۸ كند، ۲۴۹۵ ياشايش ائوي، ۳۱ صنايع اوبيئكتي، ۱۵ كند تصروفاتي اوبيئكتي، ۲۰ تحصيل، ۱۴ صحيانه مؤسيسه سي. ۵۶ مدنيت، ۵ رابطه اوبيئكتي و س. داغيديلميشدير .

آذربايجان خالقي نين ايرمينجي عصرده اوزلشديگي دهشتلي فاجعه لردن بيرى ده خوجالي سويقيريمدير. خوجالي فاجعه سي خاتين، ليديسا، اورادور سويقيريمي كيمي بشر تاريخينه دوشموش قانلي اولايدير .

خوجالي فاجعه سي -

۱۹۹۲- جي فئورالين ۲۵- دن

۲۶- نا كئچن گنجه ائرمينيستان سيلاحي قوه لري خانكندي (استئپاناكئرت) شهرينه يرلشن ۳۶۶- جي موتواتيجي آلايين زره لي تنخنيكاسي و حربي هئيتي نين كومه بي ايله، خوجالي شهريني اشغال ائندي. هجومدان اول، فئورالين ۲۵- اي آخشام شهر توپلاردان و آغير آرتيلئريادان شيدتلي آتسه توتولدو. نتيجه ده، فئورالين ۲۶- اي سحر ساعات ۵ راده لرينده خوجالي تام آلوا بوروندو. محاصره يه آليان شهرده قالميش تقريبا ۲۵۰۰ نفر خوجاليلي آعدام رايونونون مركزينه چاتماق اميدي ايله شهري ترك ائندي. اما بير گونون ايجينده ير اوزوندن سيلينن شهري ترك ائدن ۲۵۰۰ خوجالي

ادامه سرنوشت احزاب سیاسی و نقش شخصیت در ایران

گسترده تری فعالیت نمودند. ترور و تروریزم و خودسریها از جانب حاکمیت جدید و اوپوزیسیون مسلح، به حدی رسید که در نهایت، احزاب سیاسی از صحنه سیاسی طرد شدند و دیگر نتوانستند موجودیت خود را حفظ کنند.

بدین ترتیب، احزاب چپ و راست در شرایط خاص، یعنی در دو دهه اول و در دهه چهل قرن ۲۰ و چند سال بعد از انقلاب ۱۳۵۷ فعالیت کردند. بعد از این سالها بود که احزاب با سرنوشت فاجعه باری روبرو گردیدند و حکومت های خود کامه، بدون حضور احزاب مملکت را اداره کردند و میکنند.

انتخابات دوره هشتم مجلس شورای اسلام بار دیگر نشان داد که جناح محافظه کار حاضر نیست حتی جناح متشکل اصلاح طلب را نیز تحمل کند.

تنها ایران نیست که مدل دموکراتیک غرب را کنار می زنند. روسیه نیز از این قاعده مستثنا نیست، در روسیه ضرورت تحزب از اوایل قرن بیستم آغاز گردید، در دو دهه اول قرن حزب سوسیال دموکرات کارگری تشکیل و بشکل مخفی فعالیت کرد و انقلاب را رهبری نمود. حزب کمونیست بعد از پیروزی انقلاب یگانه سازمانی شد که روسیه شوروی را اداره کرد. پس از ۷۰ سال ضد انقلاب در روسیه پیروز شد. سوسیالزم و حزب کمونیست از میان رفت. دهها حزب خرد کلان روی صحنه آمدند. اکنون ۱۸ سال از آن سالها میگذرد. تقریباً همه این احزاب از صحنه سیاست کنار رفته اند. و جای آنها را حزب «مادر» یعنی، «روسیه متحد» گرفت و بعنوان حزب حاکم برای تحکیم حکومت اوتاریتار فعالیت میکند.

احزاب برای آن تشکیل میشوند که توده های مردم را بسیج کنند (هم از لحاظ سازمانی و هم از لحاظ ایدئولوژیک) تا رهبر حزب و رئیس دولت، بدون دغدغه حکومت کند.

تاریخ صد سال اخیر نشان داد که در آسیا، از جمله در ایران احزاب بطور کلی احزاب مدل اروپائی را بطور اخص نمی گذارند یا بگیرند و با خشن ترین شکل سرکوب می کنند.

آیا در چنین شرایطی تشکیل احزاب ضرورت پیدا می کند یا خیر؟ در آغاز این مقاله گفته شد که ایران کشور انقلابی است. این بدان معنی است که مردم زجر دیده آمادگی آنرا دارند در برابر ظلم و ستم واکنش نشان دهند و با رهبری شخصیت سرشناس به پا خیزند و خودکامه گان را از اریکه قدرت پائین بکشند و یا آنان را وادار به تسلیم نمایند

- میرزای شیرازی یکی از این قبیل شخصیت ها بود که با صدور فتوائی، استعمال تنباکو را حرام اعلام نمود. این فتوا در سراسر ایران حتی در دربار ناصرالدین شاه به مرحله ای اجرا در آمد. چپق و غلیان را در همه جا شکستند و از خرید تنباکو امتناع نمودند. ملکه مادر اولین کسی بود که از فتوای میرزای شیرازی تبعیت نمود. اعتراض مردم بشکل مسالمت آمیز پایان یافت و قرار داد با شرکت انگلیس ملغی گردید.

در سال ۱۹۳۰، سازمانهای مخفی حزب کمونیست از طرف پلیس مختاری کشف و همه اعضای حزب، از جمله پیشه وری، دستگیر شدند. چند سال بعد، گروه ۵۳ نفر تحت رهبری دکتر تقی ارانی تشکیل گردید. از این طریق، خلاء حزب کمونیست پر شد. اما طولی نکشید، اعضای این گروه نیز در سال ۱۹۳۷ دستگیر شدند و در زندان قصر به اعضای زندانی حزب کمونیست پیوستند. بدین ترتیب، فشار دیکتاتوری علیه احزاب شدت یافت. اما به محض سقوط دیکتاتوری در ایران احزاب چپ و راست مانند قارچ بعد از باران، در صحنه سیاسی ایران حضور پیدا کردند.

سیاستمداران کهنه کار برای حفظ منافع طبقاتی خود، علاوه بر اتکاء به نیروی انتظامی، احزاب مورد نظر خود را نیز تشکیل دادند و از این طریق کوشیدند از پشتیبانی مردم نیز برخوردار شوند.

نیروهای سیاسی چپ در مقابل راستگرایان دست به تشکیل حزبی زدند که پایه طبقاتی آن را کارگران، دهقانان و اقشار مترقی جامعه تشکیل میدادند. چنین حزبی بنام حزب توده ایران تشکیل گردید و در کوتاه ترین مدت به یک نیروی متشکل تبدیل گردید. این حزب در مناطق روستائی و شهرهای صنعتی تهران، اصفهان، خوزستان، گیلان، مازندران، خراسان و آذربایجان اعضای و هواداران بیشتری داشت. اتحادیه کارگران سراسری ایران برای دفاع از منافع کارگران، با حزب توده ایران همکاری کرد. در عین حال، فرقه دموکرات در آذربایجان و حزب دموکرات در کردستان تشکیل شدند و با قیام مسلحانه، حکومتهای خود مختار در این دو ایالت تشکیل گردید.

طبق قرارداد ۱۹۴۳ تهران متفقین از ایران خارج شدند. ارتش ایران به آذربایجان و کردستان حمله کرد. قیام سرکوب شد. فعالیت فرقه دموکرات در آذربایجان و کردستان ممنوع گردید.

دو سال بعد، فعالیت حزب توده ایران و اتحادیه کارگران ایران نیز ممنوع شد و رهبران آن دستگیر گردیدند. در سالهای حکومت مصدق، حزب توده ایران فعالیت نیمه علنی خود را ادامه داد. پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ مصدق دستگیر شد و به ۳ سال زندان محکوم گردید. اما حزب توده ایران با بی رحمانه ترین طرز قلع و قمع گردید. دهها کادر نظامی و غیر نظامی حزب تیرباران شدند. دیگر سازمانهای چپ و راست، از جمله، حزب دموکرات قوام، از صحنه سیاسی ایران خارج شدند. بعداً، چند حزب شه ساخته فرمایشی از جانب هیئت حاکمه دست چین شدند. در انقلاب سال ۱۳۵۷، بساط سلطنت برچیده شد. دوره جدیدی در تاریخ ایران آغاز گردید. احزاب سیاسی این بار نیز پا به فعالیت علنی گذاشتند. فدائیان، مجاهدین، توده ای ها و دیگر احزاب خرد و کلان چپ و راست در صحنه سیاسی ایران، بشکل

ادامه سرنوشت احزاب سیاسی و نقش...

۲- علاءالدوله والی تهران در اوایل قرن ۲۰ پای تاجران گرانفروش قند را به فلقه بست آیت الله طباطبائی و آیت الله بهبهانی از این عمل والی رنجیده خاطر شدند و با عده زیادی از روحانیون در شاه عبدالعظیم به بست نشستند. با قیام این دو شخصیت صدای اعتراض مردم تحت رهبری روحانیون بلند شد. انقلاب مشروطه از اینجا شروع شد. شخصیت های بر جسته هم چون ستارخان، شیخ محمد خیابانی در آذربایجان، میزا کوچک خان جنگلی در شمال، کلنل محمد تقی خان در خراسان ظهور کردند. مبارزه مردم ایران را رهبری نمودند. نام این شخصیت ها در تاریخ معاصر ایران با خط زرین ثبت شد.

سید جعفر پیشه وری، محمد قاضی و محمد مصدق در چهارمین دهه قرن ۲۰ با فعالیت سیاسی کوتاه مدت خود نهضت دموکراتیک و ملی را غنی تر نمودند. و در نهایت آیت الله خمینی، روحانی بزرگ و با اراده، سلطنت ۲۵۰۰ ساله را بر انداخت و نخستین بار در تاریخ اسلام شیعیان را به قدرت رساند.

تنها ایران نبود که تاریخ، تحت رهبری شخصیت های بر جسته ورق خورد. شخصیتی مانند آتا ترک نگذاشت ترکیه از نقشه ای جغرافیای سیاسی خاورمیانه پاک شود. او ترکیه نو را پایه گذاری کرد. اکنون ترکیه یکی از قدرتمند ترین و با نفوذ ترین کشور در خاورمیانه است.

جمال عبدالناصر در مصر، حافظ اسد در سوریه، معمر قذافی در لیبی، بومدین در الجزایر، فیدیل کاسترو هوگوچاوز در آمریکای لاتین، شخصتهائی بودند که کشور خود را به استقلال رساندند حثیت ملی اعراب، کوبا و ونزوئلا را به خود آنان باز گرداند.

با این نوشته ای مختصر میتوان به این نتیجه رسید که آسیا بویژه، خاورمیانه از لحاظ رشد اقتصادی و فرهنگی هنوز برای پذیرش ارزشهای جهان غرب آمادگی ندارد. این ویژگی هاست که تشکل های سیاسی چپ و راست را غیر مقدر می نماید.

در عین حال خود خواهی، تک روی، جزم گرایی احزاب را از درون منفجر می کند و کارائی آنان را به صفر می رساند.

امیر علی لاهرودی

ادامه کوزووا مستقل شد...

چرا این قسمت از کشورهای عضو ناتو، خود را از آمریکا، انگلیس، فرانسه و ایتالیا جدا ساختند و یکپارچگی ناتو را زیر سؤال بردند. پاسخ این پرسش روشن است: زیرا مشکل استقلال طلبانه باسکها و کاتالونیها در اسپانیا، مشکل مقدونی ها و ترکها در بلغارستان، مشکل ترانسیلوانیا در رومانی، مشکل مجارها در اسلاواکی، مشکل مقدونیها در یونان مشکل صربها در بوسنی از جمله مشکلاتی است که نمیتوان به آسانی حل کرد. ژیکوف رهبر کمونیست بلغارستان برای حل مسئله ملی ترکها راه نا متعارفی را انتخاب کرده بود. بنابه خواست ژیکوف، ترکهای بلغارستان می بایست هویت ملی خود را کنار بگذارند و هویت بلغاری را به پذیرند. یعنی، نام و نشان بلغاری جای نام و نشان ترکی و مسلمانی را بگیرند. ترکها زیر بار این خواست غیر قانونی و غیر اخلاقی نرفتند. ترجیح دادند که از بلغارستان به ترکیه کوچ کنند و عده زیادی نیز کوچ کردند. پس از آنکه وضع عوض شد، کوچ دسته جمع متوقف شد و خود ژیکوف خلع قدرت گردید.

گرد باد روزگار مقدونیه، زادگاه اسکندر ذوالقرنین را در میان سه کشور یونان و بلغارستان یوگسلاوی سابق تقسیم نمود. بعد از تجزیه یوگسلاوی، مقدونیه مانند دیگر جمهوریهای خودمختار استقلال خود را بدست آورد. حالا این جمهوری مستقل با اقلیت آلبانی تبار نیز مشکل دارد. شاید روزی نه چندان دور این اقلیت نیز برای الحاق به کوزووا تمایل نشان بدهد.

یونانیان، بلغارها، رومانی ها و اسلاواکی ها در آینده مشکل اقلیت ملی خود را به چه شکلی حل خواهند نمود. ما در آینده نزدیک شاهد آن خواهیم شد.

اما مسئله با سکاها بگرنج ترین مسئله در اسپانیا است. سالیان دراز است که ناسیونالیست های با سک، با عملیات تروریستی گسترده میخواهند به اهداف ملی دست یابند. اما تاکنون نتوانسته اند در این راه به کوچکترین موفقیتی دست یابند.

اعلام استقلال کوزووا با اعتراض روسیه روبرو شده است. با این همه، روسیه میکوشد از حادثه کوزووا به نفع استقلال طلبان آبخاز و اوستیای جنوبی گرجستان و منطقه روس نشین کنار رودخانه دنستر مولدووا استفاده کند و استقلال این مناطق تجزیه طلب را به رسمیت بشناسد.

در این میان مسئله قره باغ نیز مطرح است. هم گرجستان، هم آذربایجان اعلام استقلال یک جانبه کوزووا را به رسمیت شناختند و اعلام کردند که با همه وسائل ممکن، از تمامیت ارضی کشور خود دفاع خواهند کرد.

امیر علی لاهرودی

فوریه ۲۰۰۸

سخنرانی مهندس صرافى در کانون مدافعین حقوق بشر

در دفاع از زندانیان سیاسى آذربایجانى

خبر دستگیری، جرم زندانی بیشتر خواهد شد!!

مهندس صرافى اضافه کردند که اکثریت اینان بطور غیرقانونی در سلولهای انفرادی زندانی شده‌اند، چنانچه سعید متین‌پور به تنهایی متجاوز از ۲۰۰ روز (هفت ماه) را در انفرادی بسر برده و در این مدت اجازه ملاقات با احدی نداشته و مانند اغلب همسنگران خویش تا به حال اجازه گرفتن وکیل نیز نداشته و اصولاً تا بحال موارد اتهام ایشان و بسیاری از فعالین سیاسی دربند آذربایجانى به درستی تفهیم نشده است.

احکام عجیب و غریبی نیز در آذربایجان صادر می‌شود به جز زندان و تبعید و جزای نقدی (و خلع لباس برای روحانیون) و.... در چند مورد حکم شلاق داشته‌ایم، این حکم در مورد چند فعال اجرا شده است، بدین ترتیب جلوه‌ای از یک فرهنگ قرون وسطی‌یی در برخورد توهین‌آمیز با یک انسان مبارز به نمایش گذاشته میشود.

از متهمانی که اخیراً به قید وثیقه آزاد شده‌اند وثیقه‌های بالای یکصد میلیون تومانی خواسته‌اند که این در مورد فعالین زنجانى به اوج خویش یعنی به پانصد میلیون تومان (در مورد سعید متین‌پور) رسیده در حالیکه خانواده اینان به هیچوجه امکان تأمین چنین وثاقتی را ندارند.

موارد شکنجه جسمی و روحی نیز به وفور در زندانها اتفاق افتاده، مواردی از شکسته شدن انگشتان دست و آثار ضرب و شتم روی پوست بدن زندانیان دیده شده، محل سلولهای انفرادی به غایت غیربهداشتیست و به انحاء مختلف زندانیان تهدید می‌شوند که اعضای خانواده آنان را به زندان آورده و شکنجه خواهند کرد.

فشار وارده روی اعضای خانواده در برخی موارد دست کمی از فشاری که روی خود زندانی می‌آید ندارد. وقتی برای دستگیری خانم شهناز غلامی فعال در جنبش زنان و جنبش ملی آذربایجان به خانه او در تبریز مراجعه می‌کنند و روزی دیگر که منزل او را با خشونت مورد تفتیش قرار داده و کتابها و نوشتجات او را با خود می‌برند، فشار عصبی که به تنها فرزند دهساله‌ی او حسنا وارد می‌آید، باعث ایجاد تشنج عصبی در این دختر بچه معصوم می‌شود، آنان در چنین شرایطی این دختر دبستانی را که تنها سایه مادر بر سر اوست، بی‌سرپرست رها می‌سازند، قابل ذکر است که حسنا هم‌اکنون نیز بعد از گذشت چندین ماه تحت معالجه پزشکی اعصاب و روان قرار دارد.

س- اغلب زندانیان ما را به این قصد تحت فشار می‌گذارند که از آنان اعترافات کذب و یا مصاحبه‌های تلویزیونی در رد اعتقادات و اظهار ندامت از فعالیت‌های فرهنگی یا اجتماعی، سیاسی‌شان بگیرند، غافل از اینکه چنین اعترافات و مصاحبه‌هایی حتی اگر صورت هم گرفته باشد، پیشیزی ارزش نخواهد داشت.

ج- این گروه زندانیان جنبش ملی آذربایجان همگی از مدافعین حقوق بشر از جمله حقوق ملی (قومی)، حقوق زنان و آزادی‌های دموکراتیک هستند.

خبر:

به دعوت کانون مدافعین حقوق بشر روز سه‌شنبه ۱۶ بهمن ماه ۱۳۸۶ یک کنفرانس مطبوعاتی با حضور خبرگزاری‌های داخلی و خارجی در محل کانون در تهران برگزار شد.

در این کنفرانس سرکار خانم شیرین عبادی و آقایان مهندس علیرضا صرافى، مسعود کردپور، علیجانی، عبدالفتاح سلطانی سخنرانی کردند، همچنین برادران دوتن از زندانیان بنامهای آقای ابراهیم لطف‌الهی و زهرا بنی‌یعقوب که در زندانهای سنندج و همدان به طرز مشکوکی در داخل زندان فوت کرده‌اند، نیز گزارشی درباره وضعیت آنان قبل و بعد از دستگیری ارائه و ادعای خودکشی آنان را قویاً تکذیب نمودند.

مهندس صرافى در سخنرانی خویش به موارد نقض حقوق زندانیان سیاسی در آذربایجان اشاره نمودند و آمار و اطلاعاتی از روند رو به رشد فشار ارگانه‌ی امنیتی بر فعالین جنبش آذربایجان ارائه کردند.

وی گفت که از خرداد ۱۳۸۵ گروه‌های کثیری از فعالین آذربایجانى دستگیر شده و برخی از آنها مدت‌ها بدون محاکمه در زندان به سر برده‌اند، وی با اشاره به اینکه بر اساس اطلاعاتی که به دستشان رسیده اکنون قریب به بیست تن (از جمله سعید و علیرضا متین‌پور، لایلا حیدری، بهروز صفری، جلیل غنی‌لو، عباس لسانی و...) در زندان به سر می‌برند، اظهار داشت اینان عمدتاً به جرم شرکت در تظاهرات خرداد ۱۳۸۵ و یا در اعتراض به سیستم غیرعلمی سوادآموزی در مهر ماه آنسال و هم چنین شرکت در بزرگداشت روز جهانی زبان مادری در ۲۱ فوریه (۲ اسفند) که از سوی یونسکو برای تکریم و احترام به زبانهای مادری مردم جهان تعیین شده، به‌نحو کاملاً غیرقانونی، بدون حکم جلب و بدون ذکر عنوان اتهامشان بازداشت شده‌اند، برخی از آنان هنگام بازداشت مورد ضرب و شتم و توهین قرار گرفته‌اند، خانواده‌ی اغلب آنان تهدید شده که در صورت رسانه‌ای شدن

ادامه آیا عمیقتر می شود؟...

... روشن است بیشتر اعضای ناتو که، پیشتر، از توافق دوجانبه آمریکا با لهستان و چک، اظهار نارضایتی می کردند، در مقابل وعده های آن تسلیم شدند. آمریکاییها در راه ایجاد این ذهنیت نیز بسیار تلاش کردند که، متوقف کردن برنامه های آنها ممکن نیست، زیرا آنها، با دولت توسک در مورد استقرار سامانه ضد موشکی در لهستان به توافق نهائی رسیده اند و مذاکرات پیرامون ایجاد پایگاه ضد موشکی در جمهوری چک نیز، مراحل پایانی خود را طی می کند. صرفنظر از همه اینها، اظهارات استریم اریکسن بیجا نبود. در اینجا این سؤال پیش می آید که؛ نروژیها در تصمیم گیری نهائی ناتو در ارتباط با این مسائل، از حق «وتو»ی خود استفاده خواهند کرد یا نه.

لازم به یادآوری است که، در پیمان ناتو اصل توافق همه اعضاء، الزامی است و هر یک از اعضاء، از حق «وتو» برخوردارند. بنابراین «وتو»ی یکی از کشورها، بمفهوم عدم پذیرش تصمیمات محسوب می شود. استریم اریکسن در همین رابطه گفت؛ موضوع هنوز بررسی نشده است. بررسی دقیق آن تا دیدار وزیران امور خارجه در ماه مارس و مجمع عمومی کشورهای عضو پیمان ناتو در ماه آوریل در بوخارست پیش بینی می شود. وی در عین حال با ایما و اشاره نشان می دهد که، احتمالاً نروژیها عقب نشینی خواهند کرد. در هر صورت، این امر نشاندهنده آن است که، فاکتها از بروز شکاف حکایت می کنند و بحثها هم هنوز پایان نیافته است.

باید در انتظار نتیجه بحثها بود. زمانی که در سالهای دهه هشتاد، ریگان نظریه «جنگ ستارگان» را مطرح کرد، کشورهای نروژ و دانمارک با آن مخالفت کردند. واقعا هم، ضمن نشان دادن فرمان برداری کامل، مواضع خود را با ارائه پیشنهاد اصلاحی در دکترین ناتو که، شامل «وتو» نمی شد، اعلام کردند و بعد از آن، هر دو کشور مورد تنبیه واقع شدند. بهمین جهت هم، دیگر اعضای ناتو، علیرغم عصبانیت، در ویلنوس به توافق رسیدند. پطرسن، وزیر امور خارجه سابق و رئیس کمیسیون دفاع فعلی، بلافاصله با خشنودی اظهار داشت که، استریم اریکسن، نتوانست در ویلنوس کاری از پیش ببرد. وی، علنا اعلام کرد که، دولت نروژ باید به فشارهای آمریکاییها تسلیم شود.

البته، همه مسائل به همین سادگی پیش نمی رود. در میان اعضای پیمان ناتو، بسیاریها با اجرای برنامه های آمریکا مخالفت می کنند. در کنار مسئله افغانستان، موضوع استقرار سامانه ضد موشکی آمریکا در کشورهای لهستان و چک، هنوز در پیش است و چگونگی حل آنها، میزان وحدت درونی ناتو را بنمایش خواهد گذاشت. این مسئله هنوز هم روشن نیست که، آیا «سوسیالیستهای چپ»، شرکای استولتنبرگ، نخست وزیر کنونی در دولت ائتلافی نروژ، توافق نامه ای را که، بر اساس آن دولت ائتلافی تشکیل دادند، بازبینی خواهد کرد یا نه؟

ا. م. شیزلی

ادامه سخنرانی مهندس صرافی...

خانم لیلیا حیدری همسر بهروز صفری که در شهریورماه امسال برای ملاقات با همسرش به زندان رفته بود، در حین ملاقات دستگیر شده و تا کنون نیز بدون تفهیم اتهام و بدون اجازه گرفتن وکیل در زندان اوین بهسر می برد، گزارش های رسیده حاکی از آن است که این زوج مبارز را در مقابل چشمان همدیگر مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار داده اند.

اغلب این زندانیان را به این قصد تحت فشار می گذارند که از آنان اعترافات کذب و یا مصاحبه های تلویزیونی در رد اعتقادات و اظهار ندامت از فعالیت های فرهنگی یا اجتماعی، سیاسی شان بگیرند، غافل از اینکه چنین اعترافات و مصاحبه هایی حتی اگر صورت هم گرفته باشد، پشیزی ارزش نخواهد داشت.

اخیرا سازمان عفو بین الملل در مورد این زوج مبارز و سایر مبارزین آذربایجانی بیانه هایی صادر کرده و نگرانی خود را از شکنجه مبارزین آذربایجانی که به خاطر فعالیت های صلح آمیز خود به نفع جامعه آذربایجانی ابراز داشته است.

مهندس صرافی اضافه کرد علاوه بر این گروه زندانیان که همگی از فعالین جنبش ملی آذربایجان و همگی از مدافعین حقوق بشر از جمله حقوق ملی (قومی)، حقوق زنان و آزادی های دموکراتیک هستند، چهار زندانی منسوب به یک فرقه مذهبی نیز از قزلباشان آذربایجان (به عبارت دیگر علوی یا گوران) که همگی از اهالی روستای اوچ تپه میانواب هستند نیز هم اکنون در زندان اورمی به سر میبرند.

مهندس صرافی در پایان سخنان خویش اظهار کرد که متأسفانه طرف مقابل ما تا حدودی موفق شده است با تبلیغات کذب کلیه فعالین جنبش ملی آذربایجان را تجزیه طلب و پان ترکیزست افراطگرا معرفی کرده، ذهن برخی از فعالین سیاسی و اجتماعی را در مرکز و سایر نقاط کشور مشوش و منحرف سازد، لذا اخبار جنبش و موارد نقض حقوق بشر در آذربایجان در بسیاری موارد مورد بایکوت قرار می گیرد.

وی با تشکر از مسئولین کانون مدافعین حقوق بشر از اقدام در برگزاری این کنفرانس مطبوعاتی در مورد بازداشت های خودسرانه و نقض حقوق بشر در مورد زندانیان سیاسی، اظهار امیدواری کرد که من بعد آذربایجان نیز آنچنان که شایسته اش است در مرکز دقت رسانه ها باشد.

پس از اتمام کنفرانس مطبوعاتی مهندس صرافی چندین نسخه یک جلد گزارش که حاوی متن آخرین بیانه های سازمان عفو بین الملل و گزارش های یکماهه اخیر کمیته دفاع از زندانیان سیاسی آذربایجان (آسمک) در مورد وضعیت زندانیان سیاسی آذربایجان را تقدیم سرکار خانم شیرین عبادی و تعدادی از خبرگزاری های خارجی نمودند.

خانم شیرین عبادی نیز اظهار امیدواری نمودند که فعالین آذربایجانی من بعد کلیه موارد نقض حقوق بشر در آذربایجان را به اطلاع کانون مدافعین حقوق بشر برسانند تا از سوی این کانون نیز مورد پیگیری قرار گیرد..

گروه خبر

آیا شکاف عمیق تر می شود؟ ناتو در برابر آزمون سخت

جمعی این مسئله را مورد توجه قرار دادند که، گیتس در کنفرانس جهانی امنیت که روزهای شنبه و یکشنبه گذشته در مونیخ، در ارتباط با مسائل نظامی برگزار شد، آلمان را مورد خطاب قرار داده و از «خدمات بزرگ» آن در عملیات افغانستان طوری تمجید کرد. گفته می شود پیش از آغاز سخنرانی گیتس، آمریکاییها در راه روهای هتل «بایریش» که کنفرانس در آنجا برگزار می شد، دست نمایندگان آلمان را به سختی پیچاندند و تنها بعد از گرفتن تعهد مبنی بر فرستادن یک هزار سرباز اضافی به افغانستان، نه تنها به نواحی شمالی، حتی به مناطق جنوبی این کشور، رها کردند.

این موضوع، باعث نارضایتی حزب سوسیال-دموکرات مورد حمایت همه اپوزیسیون، «دموکراتهای آزاد»، «سبزها» و «چپ ها»، که شریکی کوچک در دولت ائتلافی سرخ و سیاه آلمان بسرپرستی آنگلا مرکل می باشد، گردید. اما، از قرار معلوم تصمیمات گرفته شده است و فقط کفایت به جدهای علنی داخلی ناتو که از مدتها پیش آغاز شده و شدیداً به نفوذ آن خدشه وارد می سازد، خاتمه داده شود.

آمریکا در ویلنوس هم هنگام مذاکره پیرامون مسئله افغانستان، شگفت زده شد. بدین ترتیب که، در جریان بحث و گفتگو در باره استقرار سامانه ضد موشکی آمریکا در لهستان و چک، استریم اریکسن، وزیر دفاع نروژ گفت: کشور نروژ با تردید به ضرورت این سپرهای ضد موشکی نگاه می کند. وی طی بیانات خود اعلام کرد که، «ما با استقرار سپر ضد موشکهای دور پرواز، مخالفیم و معتقدیم که، این کار باعث تشدید مسابقه تسلیحاتی جدید خواهد شد».

عجیب این است که هیچ یک از اعضای ناتو، علیرغم نارضایتی از اجرای برنامه های آمریکا، نروژیها را مورد حمایت قرار ندادند. این دیدگاه که، سپر آمریکا فقط بخشی از حریم ناتو را تحت پوشش می گیرد، در میان اروپاییها بسیار گسترش یافته است. بنابراین، استقرار آن با اصل اساسی پیمان ناتو، یعنی، امنیت عمومی حریم ناتو، مغایر است. علاوه بر آن، طبق سند رسمی، یکی از شرط های سوسیالیستهای چپ هنگام تشکیل دولت ائتلافی نروژ به رهبری استولتبرگ سوسیال-دموکرات، این بود که، نروژ با استقرار سامانه ضد موشکی آمریکا مخالفت خواهد کرد.

استریم اریکسن، در بازگشت از ویلنوس، تعجب خود را از اینکه تنها مانده است، پنهان نکرد. روزنامه های نروژی پیش بینی می کنند، که علت این امر در این است که، آمریکا قول داده است بعد از اجرای برنامه هایش در لهستان و چک، امنیت بخشهای «بی دفاع» حریم ناتو را نیز با استقرار سامانه های استراتژیکی ضد موشکی تأمین نماید. برای تأمین امنیت این بخش، «سپر کوچک» دیگری بمنظور دفاع در مقابل موشکهای تاکتیکی و راکتهای میانبرد لازم است

یک شنبه، کنفرانس جهانی امنیت در مونیخ آلمان برگزار گردید. ولی، علیرغم اهمیت جدی این دو اجلاس، هم رسانه های جمعی و هم کارشناسان چندان توجهی بدانها نکردند. ولذا، با توجه به همان داده های کوتاه، برخی مسائل مورد اختلاف در داخل اعضاء ناتو و شیوه حل آنها را مورد توجه قرار می دهیم.

روبرت گیتس، وزیر دفاع آمریکا، دیدار ویلنوس را دیدار «توضیحی» با متحدین خود، ارزیابی کرد و اعزام نیروی های نظامی بیشتر به افغانستان را بمنظور کمک موثرتر به آمریکا، انگلیس، هلند، و دانمارک که بدون دستیابی به هیچ موفقیتی در جنوب افغانستان با نیروهای طالبان می جنگند، خواستار شد. گیتس، همانطور که مطبوعات نیز اعلام کردند، در چنین وضعیتی، اولاً؛ اعتراف کرد که علل عدم علاقمندی متحدان اروپائی در ادامه جنگ افغانستان عمیق است. ثانیاً؛ کشورهای عضو پیمان نظامی ناتو، نیروهای آمریکائی حاضر در افغانستان و عراق را بعنوان اجزاء اصلی عمیقاً بهم پیوسته ای از برنامه های آمریکا ارزیابی می کنند که، برای اعمال کنترل کامل بر منطقه وسیع خاور میانه بکار گرفته شده اند.

واقعیت برنامه های ماجراجویانه و مبتنی بر اطلاعات نادرست آمریکا در خاورمیانه، از همان ابتدا به اروپائیان توضیح داده نشد. بنابراین، متحدان اروپائی آمریکا حاضر نشدند نیروهای خود را همراه با نیروهای این کشور در جنگ عراق درگیر کنند. به گمان قریب به یقین، اروپاییها بر صحت اطلاعات آمریکا اطمینان نداشتند و از اینکه آمریکا به هشدارهای آنها توجهی نکرد و یک جانبه خود را درگیر جنگی بی نتیجه و نومیدانه کرد، بسیار عصبانی شدند. در مورد افغانستان هم به نتیجه مشابهی رسیده اند. بدین جهت، ناتوئیها از دعوت واشینگتن برای اعلام همبستگی، با سردی استقبال کردند و نشان دادند که ناتو بعنوان یک تشکیلات نظامی نیروئی نیست که بتواند در «هرجا» وارد جنگ شود. گیتس، با صراحت بیان داشت که، اگر در افغانستان شکست بخوریم، در سازمان ناتو، بین آنکه خواستار رعایت موازین است و آنکه نمی خواهد از مقررات تبعیت نماید، شکاف بوجود خواهد آمد.

می دانیم که برخی از متحدان آمریکا به بهانه مختلف پای خود را از گلیم افغانستان بیرون می کشند. نروژیها بیرون می روند و هلندیها هم تدارک خروج می بینند. کاناداییها نیز اعلام کرده اند اگر، دیگر اعضای ناتو در اسرع وقت حداقل یک هزار سرباز به افغانستان اعزام نکنند، آنها، این کشور را ترک خواهند کرد، صدای انگلیسیها هم درآمده است. در چنین شرایطی، گیتس، بمنظور اندیشیدن تدابیر جدی، متحدین خود، بویژه آلمان را زیر فشار، قرار داد.

صرفنظر از عکس العمل ابتدا منفی دولت آلمان، می توان گفت که گیتس، پس از آنکه سارکوزی، دوست خوب آنگلا مرکل، برای اعزام «ورزیده ترین نیروهای خود» به افغانستان اعلام آمادگی کرد، موفق شد. رسانه های ارتباط

مهاجرده فرقه تشکیلاتلارینین صدرلری معلم رولونودا اوینامیشلار

غلامی، نریمانوف رایون حومه سینیه حسین قربانعلی زاده، باکی اوکتیابر حومه سینیه فرج دستگشاده، باکی ۲۶ - لار حومه سینیه محمد داداش زاده رهبرلیک ائتمیشلر.

آذربایجان دموکرات فرقه سینین گنجیه شهر کمیته سینیه: آل محمد ناتوانی، زرافشان محمد علی، خلت بری، ابوذری حسین، فرج دستگشاده، شکور غفاری، گنجعلی مهر عابدین، علی **بورولی**، نیک نژاد برات، ایوب نمینی، روانی بهلول و دستی علی مختلیف ایللرده رهبرلیک ائتمیشلر.

آذربایجان دموکرات فرقه سینین علی بایراملی شهر کمیته سینیه مختلیف ایللرده: علی پور ولی، باشنگی فایق، نمینی ایوب، حیدرزاده علی حیدر، اسماعیل زاده علی حسین و قلی زاده واله رهبرلیک ائتمیشلر.

آذربایجان دموکرات فرقه سینین سومقاییت شهر کمیته سینیه: مختلیف ایللرده فتحی محمد، حسین زاده حسن، اردبیلی لطفعلی، عزیززاده عظیم، اوروج اوف قارداشخان، رهبرلیک ائتمیشلر.

آذربایجان دموکرات فرقه سینین آغام رایون کمیته سینیه: مختلیف ایللرده ابراهم بابازاده، زرافشان محمد علی، لاهرودی امیر علی، شمسی محمد، اؤزوفرد یوسف، آمپرا غلام، زارعی عزیز رهبرلیک ائتمیشلر.

آذربایجان دموکرات فرقه سینین قوبا رایون کمیته سینیه: مختلیف ایللرده فرضی دهقان، اسدی اژدر، فرج دستگشاده اردبیلی لطفعلی، صادقی مختار، دهقانی غلام حسین، پورعسگر اژدر، مرادی قدرت رهبرلیک ائتمیشلر.

آذربایجان دموکرات فرقه سینین خاچماز فرقه تشکیلاتینا: مختلیف ایللرده صادقی مختار، شجائی یوسف و گل بابا تقی زاده رهبرلیک ائتمیشلر.

آذربایجان دموکرات فرقه سینین سیه زه ن فرقه تشکیلاتینا: مختلیف ایللرده اهیره بیان بویوک آقا، فتحی سعداش و محمد رسول داشزرین رهبرلیک ائتمیشلر.

آذربایجان دموکرات فرقه سینین طاووز فرقه تشکیلاتینا: مختلیف ایللرده اسدی میرطالیب و خادمی ارشد رهبرلیک ائتمیشلر.

آذربایجان دموکرات فرقه سینین قازاخ رایون کمیته سینیه: مختلیف ایللرده رائی سلمان، قادری بویوک آقا، اقدمی جبرائیل رهبرلیک ائتمیشلر.

آذربایجان دموکرات فرقه سینین شامخور رایون کمیته سینیه: مختلیف ایللرده دیده کنعان مختار، باغبانی محرم، صادقی ضربعلی رهبرلیک ائتمیشلر.

آذربایجان دموکرات فرقه سینین قاسم اسماعیل اوف رایون کمیته سینیه: مختلیف ایللرده فتونی حسن، لاهرودی امیرعلی، پورعسگر اژدر، فتونی جمشید، قاسمی یوسف رهبرلیک ائتمیشلر.

۱۹۴۶ - نجی ایلین آخیرلاریندان ۱۹۵۳ - نجی ایلین اوللرینه قدر ایران آذربایجانین انقلابی قوه لری شاهلیق رژیمی و ارتجاعین قانلی هجوملاریندان قورتارماق اوچون - کئچمیش سوؤت دولتی، خصوصیه سوؤت آذربایجان اراضیسینه مهاجرت ائتمه یه مجبور اولموشلار. اونلار آذربایجان دموکرات فرقه سینی و انقلابی مبارزه دیری ساخلاماق، همین فرقه نین رهبرلی بی آلتیندا مبارزه نی داوام ائتدیرمه بی اساس وظیفه کیمی قارشیا قویموشلار.

آذربایجان دموکرات فرقه سینی دیری ساخلاماق مقصدیه مهاجرده فرقه نین تشکیلاتلارینی برپا ائتمیشلر. کئچمیش سوؤت آذربایجانین ۳۴ رایون و شهرلرینده یئرلشدیریلیمیش سیاسی پناهندلرین ایش، یاشایش، اجتماعی تربیه، تحصیل آلماسی، انقلابی روحدا تربیه اولونمالارینا رهبرلیک ائده چک فرقه نین ساغلاملیغینی قوروپوب ساخلاماق اوچون فرقه کمیته لرینین بویوک روللاری اولمالی ایدی.

همین برپا ائدیلیمیش فرقه تشکیلاتلارینا رهبرلیک ائدن کمیته صدرلری اؤز لرینین شرفلی وظیفه لرینین ماهیتی نی درک ائدیب بوتون چتین لیک لری قبول ائتمه لی ایدیلر. چوخ بویوک ایناملایق ائتمک ایستردیم کی، کمیته صدرلرینین تام اکثریتی بو شرفلی وظیفه لری لیاقتله حیاتا کئچیرمیش، ۶۰ ایلیک مهاجرت دؤرونده فرقه یاشاتماغی اساس مقصد کیمی قارشیا قویموشلار.

مهاجرت دؤرونده فرقه تشکیلاتلارینا ۱۹۴۷ - نجی ایلین ۲۰۰۷ - نجی ایلین ایون آئینا قدر ۱۳۰ نفر کمیته صدرلری مختلیف ایللرده رهبرلیک ائتمیشلر. اونودا قید ائتمک لازیمدیر کی، اجتماعی اساسلار اوزره فرقه ایشلرینده، کمیته لرین بورولارینا، حوزه لرین (ایلیک فرقه تشکیلاتلارینین) ایشلرینه، فعالیت لرینه یوزلرله فرقه عضولری کومک ائتمیشلر. اونا گوره ده فرقه عضولرینین سای همیشه آرتمیشدیر. بوتون موفقیت لرده کمیته صدرلرینین رولو و زحمت لری بویوک اولموشدور.

سیاسی پناهنده لرین مهاجرت دؤرونده ساوادلانمالارینا داها چوخ فیکیر وئریمیشدیر. اونلاردان بوتون ساحه لر اوزره عالی، صنعت مکتب لری و حتی ۲۶۰ نفردن چوخ آدم، علملر نامزدی و علملر دوکتوروق درجه لرینی آلمیشلار. ساوادسیز مهاجرلر قالمامیشدیر. بو موفقیت لرده فرقه تشکیلاتلارینا رهبرلیک ائدن کمیته صدرلرینین دوزگون تشکیلاتچیلیق روللاری قید اولونمایدیر. عمومیتله سیاسی مهاجرلرین اؤز مبارزه لرینی قوروپوب ساخلاماق، اونو داوام ائتدیرمک ده فرقه تشکیلاتلارینین رولو اونودولمالی و فرقه تشکیلاتلارینا اوزون ایللر قوسورسوز رهبرلیک ائدن کمیته صدرلرینین فعالیت لرینی قیمت لندیرمک لازیمدیر. فرقه کمیته لرینه اوزون ایللر قوسورسوز رهبرلیک ائدن بعضی کمیته صدرلرینین آدلارینی بویوک افتخارلا قید ائتمک یئرینه دوشر.

آذربایجان دموکرات فرقه سینین باکی شهر کمیته سینیه ایرج خانم ابراهینی، حمید صفری، اسماعیل پیشنمازی، باکی بوروسونا ایوب نمینی، باکی آذنفت حومه سینیه سلطانعلی

ادامه برگزاری تجمع...

«دولتهای طرف این میثاق متعهد میشوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را در باره کلیه افراد مقیم در قلمرو و تابع حاکمیتشان بدون هیچگونه تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگری، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب و سایر وضعیتها محترم شمرده و تضمین کنند.»
 «هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچکس را نمیتوان خودسرانه دستگیر یا بازداشت کرد.»

* «هیچکس را نمیتوان به مناسبت عقایدش مورد مزاحمت و اخافه قرار داد.»

فعالین حرکت ملی آذربایجان برای تحقق موقعیت حقوقی شان به هر اقدام مسالمت آمیزی دست زده اند تا در عرصه علنی دیده شوند. از مکتوب کردن خواست ها گرفته تا برگزاری کارگاه و سمینار و تجمعات مسالمت آمیز، از تشکیل جمع هایی چون هم اندیشی ملیتها، حرکت های جهانی، و صلح، و... تا جمع آوری امضا برای اجرای قوانین معتل مانده، و... سعی و اندیشه وافر به کار برده اند تا هر یک به شیوه خود فضای کم وسعت را باز و گسترده کنند، هر چند هر بار به خاطر چوب های زیادی که لای چرخ حرکت شان گذاشته می شود، هزینه پرداخته و تغییر روش می دهند. افراد زیادی را به اتهامات گوناگون دستگیر کرده و برایشان پرونده سازی کنند.

بی شک بی توجهی حاکمیت به مسایل ملی و استفاده از فشار و زور به جای گفتگو و تعامل و در یک کلام ارعاب و دستگیریهای اخیر وضعیت فعلی را بغرنج تر و در حال سوق دادن فضای گفتگو به سمت حاکم شدن فضای احساسی و رادیکال می باشد.

منبع: کار آنلاین

واحد قاراباغلی

vahidqarabagli@gmail.com

مهاجر تده فرقه تشکیلاتارینا... داوامی

آذربایجان دموکرات فرقه سینین شکی رایون کمیته سینه: مختلف ایلرده دیده کنعان مختار، عمرانی محمد حسین، جدی حسین، قیانی اکبر، ذکائی بهلول، ارجمندی یدالله رهبرلیک انتمیشلر.
 آذربایجان دموکرات فرقه سینین زاکاتالا فرقه تشکیلاتینا: شریفی راهریدین، بنینده یدالله، نیافرز بابا، جمعی عوض وارشد حاتمی رهبرلیک انتمیشلر.

آذربایجان دموکرات فرقه سینین گوچای فرقه تشکیلاتینا: قوامی محمد، ثابتی اسماعیل، سلیمانپور عباس، بهروزی ایوب، خاکیدان میرصادق، انور ایمانوف رهبرلیک انتمیشلر.

آذربایجان دموکرات فرقه سینین اسماعیلی فرقه تشکیلاتینا: مختلف ایلرده هوشنگی یونس، صادقی آقا، ابراهیم هئیتی رهبرلیک انتمیشلر.

آذربایجان دمورات فرقه سینین ترتر فرقه تشکیلاتینا: مختلف ایلرده پری موسا، افخمی میروهاب، سرابی رحمان، آیدین محمدزاده رهبرلیک انتمیشلر.

آذربایجان دموکرات فرقه سینین یوولاخ فرقه تشکیلاتینا: مختلف ایلرده فاضیلی عبدالله، بالازاده عسگر، جباری آقا علی، آهنگری علی حسین، حسین زاده غلام رهبرلیک انتمیشلر.

آذربایجان دموکرات فرقه سینین شاماخی رایون کمیته سینه: مختلف ایلرده دادرس مکائیل، رضا قاضی، دیده کنعان مختار، افخمی میروهاب، نمینی ایوب، باقری صورت، رضائی رسول رهبرلیک انتمیشلر.

آذربایجان دمورات فرقه سینین کوردمیر فرقه تشکیلاتینا: مختلف ایلرده اسفران رامیز رهبرلیک انتمیشلر.

آذربایجان دموکرات فرقه سینین سلیمان فرقه تشکیلاتینا: مختلف ایلرده جهانی مکائیل، فزونی عبدالله، هوشمندی رحیم رهبرلیک انتمیشلر.

آذربایجان دموکرات فرقه سینین آغستافا فرقه تشکیلاتینا: مختلف ایلرده صمیمی آقا بابا، قادری عزیز رهبرلیک انتمیشلر.

قید انتمک لازیمدیر که، یوخاریدا آدلاری قید اولان کمیته صدرلرینین چوخو امک حاققی آلمان اجتماعی اساسلار اوزره بو وظیفه نی اداره انتمیشلر. اولار تکجه کمیته صدری کیمی یوخ، بیر معلم کیمی ده سیاسی مهاجرلرین تحصیل آلمالارینا، اجتماعی حیاتدا اوزلرینی نجه آیارمالارینا، سووئت قانونلارینا دوزگون عمل انتمه لرینه، استحصالاتدا و تصرفاتلاردا یاخشی ایشلمه لرینه، فرقه حوزه لرینده (ایلیلیک پارتیا اوزه کلرینده) فرقه نین مراننامه و نظامنامه سینه یننی جه خدمت انتمه لرینه، دنیا و ایراندا جریان آندن سیاسی حادثه لردن خبردار اولمالاری حاقبندا تدبیرلر گورمه لی و ایش آپارمالی ایدیلر. خصوصیه آذربایجان دموکرات فرقه سینین بوتون قرار و گوستریشلرینی، فرقه عضولرینه چاتدیرمالی و اوپرتملی ایدیلر.

کمیته صدرلرینین حیاتا کنچیردی بی بوتون وظیفه لر فرقه سندلرینده، خصوصیه محلی کمیته لرین سندلرینده اوز عکسینی تاپمیشدیر. همین سندلر جلد اولونوب آرخیوده ساخلانیلیر. قوی گله جک انقلابی نسیل همین سندلری آراشدیرارکن اوزون ایلر مهاجر تده آذربایجان دموکرات فرقه سیننی قورویوب یاشادان، اونون تمیزلی بی اوچون بوتون چنین لیکلری اوز چنین لرینده داشیان کمیته صدرلرینی اونوتمالی و اولنلرین زحمت لرینه قیمت وئر مه لی دیرلر.

اردبیلی لطفعلی (فلکی)

اگر ایران به سلاح هسته ای دست یابد

تحریم های اقتصادی، روابط میان ایران و کشورهای بزرگ جهان را تیره تر کرده و میکند. در چنین شرایطی، یکی از این دو راه قابل پیشبینی است:

۱- تسلیم در مقابل اخطار، ۲- رد اخطار و ادامه غنی سازی.

سیاستی که ایران در پیش گرفته، تسلیم برای آن قابل قبول نخواهد بود. دومی راهی است که ایران هم اکنون آنرا دنبال می کند. واکنش نظامی آمریکا در برابر ایران محتمل است. اما این سیاست، در سال آخر ریاست جمهوری جورج بوش بعید به نظر میرسد، رئیس جمهور آینده نیز برای تصمیم گیری کمتر از یکسال وقت نخواهد داشت. یعنی ایران لااقل دو سال وقت دارد تا درباره سیاست اتمی خود به شکل قطعی تصمیم بگیرد. یا از در آشتی وارد شود و مذاکره کند، در این صورت روابط بحرانی میان ایران و آمریکا پایان خواهد یافت و یا ایران سیاست غنی سازی را ادامه خواهد داد تا و بتواند در

عرض چند سال به سلاح هسته ای دست یابد، که بعد از اسرائیل، هندوستان و پاکستان چهارمین دولت هسته ای در منطقه خواهد شد. علیرغم همه این جار و جنجالها، خطر جنگ، از جمله جنگ هسته ای، کشورهای منطقه را تهدید خواهد کرد. زیرا استفاده از سلاحهای هسته ای از جانب هر یک از کشورهای هسته ای بمعنی نابودی منطقه خواهد بود، فاجعه ی هیروشیما و ناکازاکی، بعد از ۶۳ سال تکرار خواهد شد. شهرهای بزرگ ایران و اسرائیل به تل خاکستر تبدیل خواهند شد. هیچ عقل سلیمی به این ریسک مرگ بار دست نخواهد زد.

چنانچه دو قطب شرق و غرب در مسابقه تسلیحاتی از هم دیگر سبقت می گرفتند. اما، جنگ بطور کلی، جنگ هسته ای بطور اخص، واقع نشد. اما این مسابقه، ضربه مهلکی به اقتصاد شوروی وارد آورد. میلیاردها دلار به جای صرف برای بهبود زندگی مردم، بشکل آهن پاره در پایگاههای اتمی دارد زنگ می زند.

ایران که اقتصاد قوی ندارد، با درگیر شدن در مسابقه تسلیحاتی، بویژه سلاح اتمی در پائین آمدن سطح زندگی مردم ایران بی اثر خواهد بود. به عبارت دیگر، بار سنگین تسلیحاتی، کمر مردم کم درآمد را خواهد شکست.

امیرعلی لاهرودی

ایران یکی از بزرگترین و پر جمعیت ترین کشور در خاورمیانه است. ایران در تعیین سیاست منطقه ای نقش قابل ملاحظه ای داشته و اکنون نیز دارد. سیاست نظامی گری نیز از همینجا سرچشمه میگیرد. این سیاست بیش از هشتاد سال است با پیگیری اجرا می شود. رضا خان ارتش مدرن و محمد رضا شاه میلیتاریزه کردن ایران را پایه گذاری کردند. بعد از بالا رفتن قیمت نفت (۱۹۷۳) میلیاردها دلار برای خرید ساز و برگ نظامی از جمله هواپیماهای اف ۱۴ و اف ۱۶ خرج نمود. هزاران مستشار نظامی آمریکائی برای آموزش نظامی و فرا گرفتن استعمال سلاحهای مدرن در ایران مستقر شدند و ایران بدین وسیله به جبهه مقدم آمریکا در سرحدات جنوبی شوروی مبدل گردید.

انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ پیروز شد. روحانیون شیعه مذهب به قدرت رسیدند. شعارهای تند و رادیکال رهبران انقلاب، موجب واکنش وسیع در منطقه و جهان گردید. دولت

عراق با استفاده از موقعیت « مناسب» و با پشتیبانی بی سر و صدای آمریکا، به ایران حمله برد. اما با واکنش ایران انقلابی روبرو گردید. هشت سال طول کشید تا جنگ پایان یابد و آرامش در منطقه برقرار گردد. دولت ایران برای دفاع از خود، سیاست تسلیحاتی را با پیگیری دنبال نمود و این سیاست با آزمایش موشک دوربرد به مرحله ای جدید گام نهاد. با همکاری نظامی روسیه، پتانسیل نظامی ایران افزایش می یابد و با خرید جنگنده های نظامی و کشتی های زیر دریائی و تولید سلاحها در داخل کشور، ارتش ایران به قدرتمندترین ارتش در خاورمیانه تبدیل شده است. سپاه پاسداران با مدرنترین سلاحها از جمله موشک های دورپرواز، مسلح گردیده است. چالش با آمریکا ایران را به مسابقه تسلیحاتی کشانده است و غنی سازی اورانیوم گرچه (بنابه به اعتراف رهبران ایران)، هدف مسالمت آمیز دارد اما، آمریکا و متحدین آن به موضوع غنی سازی با شک و تردید برخورد می کنند. مسئله را به شورای امنیت برده اند و دو قطعنامه علیه ایران به تصویب رسیده و حالا سومین قطعنامه در دست بررسی است. در هر سه قطعنامه، از ایران می خواهند غنی سازی اورانیوم را به حالت تعلیق در آورد. اما ایران زیربار این قطعنامه ها نمی رود و غنی سازی را همچنان ادامه می دهد. اخطار شورای امنیت توام با

چنانچه دو قطب شرق و غرب در مسابقه تسلیحاتی از هم دیگر سبقت می گرفتند. اما، جنگ بطور کلی، جنگ هسته ای بطور اخص، واقع نشد. اما این مسابقه، ضربه مهلکی به اقتصاد شوروی وارد آورد. میلیاردها دلار به جای صرف برای بهبود زندگی مردم، بشکل آهن پاره در پایگاههای اتمی دارد زنگ می زند.

برگزاری تجمع به مناسبت "روز جهانی زبان مادری" در شهرهای آذربایجان

از زمانی که یونسکو روز ۲۱ فوریه (دوم اسفند) را به عنوان روز جهانی زبان مادری اعلام کرد، آذربایجانیهای ایران کوشیدهاند تا آنجا که میتوانند این روز را جشن بگیرند.

سال گذشته تجمعات اعتراض آمیزی در شهرهای آذربایجان برگزار شد شماری از فعالان در این شهرها دستگیر شدند که بسیاری از آنها پس از گذراندن چند روز در بازداشتگاههای موقت محلی آزاد شدند. در پی این دستگیریها، عفو بین الملل بیانیه ای در این زمینه صادر و نگرانی خود را از وضعیت اقلیتهای قومی در ایران ابراز کرد.

سازمانهای حقوق بشر آذربایجانی می گویند: «آذربایجانی های ایران خواستار حقوقی در امور فرهنگی و زبان، از جمله حق تحصیل و آموزش به زبان مادری هستند. اما مقامات ایرانی به کسانی که در پی ترویج هویت فرهنگی آذربایجانی هستند، به دیده سوء ظن می نگرند و آنان را توقیف، شکنجه و محکوم به حبس می کنند.»

دولت همگام با محدود کردن آزادیهای فردی و اجتماعی شهروندان آذربایجانی با خواسته های آنها مخالفت کرده است. در بسیاری موارد این مخالفتها با کشتار و زندانی کردن افراد با برچسب جدایی طلبی و تفرقه افکنی همراه بوده است. البته برخورد تبعیض آمیز به رفتار خشن و سرکوب گرانه خلاصه نمی شود بلکه این رویکردها در فرهنگ حاکم جامعه نهادینه شده است و به صورت تحقیر و تمسخر ملیتهای غیر فارس خصوصا آذربایجانیها بیشتر از طریق بیان جوک و لطیفه های روزمره حتی در میان روشنفکران فرهنگ حاکم بازتاب می یابد.

فعالان آذربایجانی با عملکرد چندین ساله خود نشان داده اند که خواهان دستیابی به حقوق انسانی خود که به صراحت در قانون اساسی کشور و قوانین و کنوانسیونهای بین المللی آمده است بوده اند.

رعایت حقوق اساسی ملل ساکن در ایران، بویژه اصول ۱۹، ۲۲ و ۲۳ قانون اساسی و نیز مواد ۲، ۹ و ۱۹ "قانون الحاق ایران به میثاق بینالمللی حقوق مدنی و سیاسی" (مصوب ۱۳۵۴/۲/۱۷ مجلس شورای ملی) را به شرح زیر یادآوری میکنیم:

رعایت حقوق اساسی ملل ساکن در ایران، بویژه اصول ۱۹، ۲۲ و ۲۳ قانون اساسی و نیز مواد ۲، ۹ و ۱۹ "قانون الحاق ایران به میثاق بینالمللی حقوق مدنی و سیاسی" (مصوب ۱۳۵۴/۲/۱۷ مجلس شورای ملی) را به شرح زیر یادآوری میکنیم:

فعالان آذربایجانی می گویند قصد دارند با این تجمع و با توسل به شیوه های مسالمت آمیز و مدنی اعتراض خود را مبنی بر ممنوعیت فراگیری و تدریس زبان ترکی در ایران را به گوش مسئولان حکومتی و جهانیان برسانند.

استفاده از زبان و ادبیات ترکی در رادیو و تلویزیون و آموزش آن در مدارس از عمدترین خواستهای فعالان آذربایجانی است. گرچه برابر قانون اساسی ایران استفاده از زبانهای محلی در مدارس و

فعالان آذربایجانی می گویند قصد دارند با این تجمع و با توسل به شیوه های مسالمت آمیز و مدنی اعتراض خود را مبنی بر ممنوعیت فراگیری و تدریس زبان ترکی در ایران را به گوش مسئولان حکومتی و جهانیان برسانند.

استفاده از زبان و ادبیات ترکی در رادیو و تلویزیون و آموزش آن در مدارس از عمدترین خواستهای فعالان آذربایجانی است. گرچه برابر قانون اساسی ایران استفاده از زبانهای محلی در مدارس و

فعالان آذربایجانی می گویند قصد دارند با این تجمع و با توسل به شیوه های مسالمت آمیز و مدنی اعتراض خود را مبنی بر ممنوعیت فراگیری و تدریس زبان ترکی در ایران را به گوش مسئولان حکومتی و جهانیان برسانند.

استفاده از زبان و ادبیات ترکی در رادیو و تلویزیون و آموزش آن در مدارس از عمدترین خواستهای فعالان آذربایجانی است. گرچه برابر قانون اساسی ایران استفاده از زبانهای محلی در مدارس و

فعالان آذربایجانی می گویند قصد دارند با این تجمع و با توسل به شیوه های مسالمت آمیز و مدنی اعتراض خود را مبنی بر ممنوعیت فراگیری و تدریس زبان ترکی در ایران را به گوش مسئولان حکومتی و جهانیان برسانند.

استفاده از زبان و ادبیات ترکی در رادیو و تلویزیون و آموزش آن در مدارس از عمدترین خواستهای فعالان آذربایجانی است. گرچه برابر قانون اساسی ایران استفاده از زبانهای محلی در مدارس و

فعالان آذربایجانی می گویند قصد دارند با این تجمع و با توسل به شیوه های مسالمت آمیز و مدنی اعتراض خود را مبنی بر ممنوعیت فراگیری و تدریس زبان ترکی در ایران را به گوش مسئولان حکومتی و جهانیان برسانند.

استفاده از زبان و ادبیات ترکی در رادیو و تلویزیون و آموزش آن در مدارس از عمدترین خواستهای فعالان آذربایجانی است. گرچه برابر قانون اساسی ایران استفاده از زبانهای محلی در مدارس و